

۳



## سهام مخاطب از درک فیلم

**رضا میرکریمی:** هر کس طبیعتی دارد و من فکر می‌کنم که اینگونه حرف‌هایم ماندگارتر است و من آدمی نیستم که صریح نظر بدهم. معتقدم مخاطب سهمی در درک فیلم دارد و دوست دارم مخاطب با این لایه‌ها فیلم را درک کند. این فیلم یک شرح حال و تبادل احساس به مسائل جامعه است و من نام آن را نقد نمی‌گذارم.

از صحبت‌های این کارگردان در نشست خبری «نگهبان شب»

۴



## دشواری کسب افتخار

**محسن کیایی:** در کارنامه هر بازیگری کار کردن با آقای میرکریمی باعث افتخار است. من از او مسائل بسیاری یاد گرفتم. بازیگران این فیلم همه بازیگر هستند حتی تورج الوند پیش از این نیز جلوی دوربین رفته است و در این فیلم دیده شده‌اند. نقش من نقش سختی بود اگر به من بود دوست داشتم نقش رسول را بازی کنم. نقشی که بازی کردم سخت بود اما آن را دوست داشتم.

از صحبت‌های این بازیگر در نشست خبری «موقعیت مهدی»



نگاهی به فیلم «نگهبان شب»

ساخته رضا میرکریمی

## لمس روح مخاطب

فیلم سینمایی

«نگهبان شب»

قصه ساده و خطی

روزمرگی‌های یک

نگهبان شبانه در شهر

تهران را به گونه‌ای

ظریف بر بستری

شناسنامه دار روزگار

ما به تصویر می‌کشد

که واجد حس و حال

و معنا و مفهومی فراتر از جهان اثر می‌شود.

رضا میرکریمی در تجربه‌گرایی که منجر

به ساخت ۱۰ فیلم کارنامه‌اش شده، این

ویژگی را نهادینه کرده که در جست‌وجوی

شیوه‌های جدید روایت و قصه‌گویی و

درام‌پردازی و پذیرش ریسک تجربه‌های

جدید و انتحاری است. حاصل آن هم

فیلم‌هایی است که هر چند شباهت آشکاری

به هم ندارند و روی موفقیت‌های قبلی

مانور نمی‌دهند، اما با مرور آنها می‌توان

رد حضور ذهن کنکاشگر فیلمسازی را که

در حال محک زدن خود و عبور از الگوها و

شیوه‌های مألوف و آشنا است، به روشنی

دنبال کرد. همانطور که تجربه موفق

فیلم‌های «خیلی دور، خیلی نزدیک»، «به

همین سادگی»، «به حبه قند» و «دختر» به

گونه‌ای آشکار در فیلم‌های بعدی اش تکرار

نشد، عبور از الگوی موفق «انقره شیرین» نیز

برای رسیدن به «نگهبان شب» در کارنامه او

قابل انتظار بود.

میرکریمی در نگارش فیلمنامه این اثر که

رویی شخصیت و نفوذ به عمق روح انسانی



سحر عصر آزاد

منتقد سینما

پیش‌زمینه‌ای است که پرواز پایانی کاراکتر فقط قرار گرفتن در شمایل پسر از دست رفته پیرمرد آلزایمری نیست بلکه سکوی پرتاب او برای غلبه بر همه ترس‌ها و انفعال‌هایش است؛ از ترس از ارتفاع تا ترس از مقابله با مردی که به نظر می‌آید به حریم عاطفی او و همسرش تعرض کرده؛ هر چند مجازی. میرکریمی در ادامه این حرکت انتحاری حتی برای نقش‌های محوری این مرید و مراد از حضور دو بازیگر ناشناخته و بکر بهره برده که نقش آفرینی به یادماندنی در فیلم دارد. با چنین رویکردی است که خط دراماتیک همراهی آنها، بدون پیشداوری از قضاوت‌های از پیش تعیین شده روح و انگیزه آنهاست که در همان فریاد مخالفت نقطه پایانی آن پرواز بر فراز آسمان‌ها است.

است که در مسیر روزمرگی‌هایش بواسطه همراهی با آدم‌های پیرامونی، مسیر رشد و ارتقای درونی را به شیوه‌ای غیر دراماتیک و واقعی همچون خود زندگی طی می‌کند. رسول در همراهی با دایی که می‌تواند شمایلی غیر کلیشه‌ای و زمینی از یک پیر و مراد باشد، سفری درونی را آغاز می‌کند که او را از انفعال و سرخم کردن به هر آنچه دیگران برایش تعیین تکلیف می‌کنند و چکیده آن کاراکتر برج ساز است، بازی ما دارد. به همین واسطه می‌توان سفر درونی او را دقیقاً برخلاف سفر بیرونی که پیش از آن برداشته بود، به هم پیوند داد. با چنین رویکردی است که خط دراماتیک همراهی آنها، بدون پیشداوری از قضاوت‌های از پیش تعیین شده روح و انگیزه آنهاست که در همان فریاد مخالفت نقطه پایانی آن پرواز بر فراز آسمان‌ها است.

همکاری مشترکی با محمد داوودی است، خود را از حضور یک قهرمان محوری تعیین کننده و قوی و کشمکش محروم کرده و همچون «به همین سادگی» سراغ کاراکتری رفته که نه شمایلی قهرمانانه دارد نه کنشی تعیین کننده بلکه از همان ابتدا سادگی، معصومیت و انفعال ذاتی او در سکانس معارفه با برج ساز در کمترین زمان به مخاطب منعکس می‌شود. و این پرسش شکل می‌گیرد که زندگی روزمره همین سادگی، «به حبه قند» و «دختر» به گونه‌ای آشکار در فیلم‌های بعدی اش تکرار نشد، عبور از الگوی موفق «انقره شیرین» نیز برای رسیدن به «نگهبان شب» در کارنامه او قابل انتظار بود.

نگاهی به فیلم «موقعیت مهدی»

ساخته هادی حجازی‌فر

## شاعرانه در جنگ عاشقانه در شهر

از سینما چه باقی

می‌ماند اگر دستش

به درون نرسد و

نهان آدمی را لمس

نکند؟ این هم شامل

درون شخصیت‌هایی

می‌شود که سینما

تصویری می‌کند و هم

مخاطبی که تصاویر

را می‌نگرد. شناخت درک آن چیزی است

که در درون می‌گذرد، وگرنه نقاب‌ها و

نقش‌ها و روایت‌ها فراروانند و باور به آنها

هر روز دشوارتر می‌شود. درک‌پذیری یک

شخصیت ابزاری دارد، مثل کردار و گفتار

که در درام اصل اند. اما آن فضای درونی

که در زیر کردار و گفتار جریان دارد و «آنی»

را می‌سازد حکایت دیگری است. کردار و

گفتار در درام الزامی است اما کافی نیست؛

فیلمساز باید بتواند برای شخصیت‌هایش

نوعی هاله و فضایی منحصر به فرد خلق

کند. انسان پیچیده است و بازتابی این

پیچیدگی پیچیده‌تر، چرا که آن پیچیدگی

حقیقتاً موجود و بی‌قصد را باید خودآگاه

را می‌سازد. اما تلاش دارد نسبت به

«موقعیت مهدی» اولین ساخته هادی

حجازی‌فر پس از فیلمنامه درخشان

«آتابای» - که آن هم مبتنی بر فضاسازی و

ایجاد هاله برای شخصیت‌ها بود- می‌توان

دسترسی و استعداد خاص حجازی‌فر را



علیرضا دناهی

منتقد سینما



لحظه است. به همین علت هم ما بیشتر از عملیات و کنش‌های استراتژیک مهدی، زندگی روزمره و لحظات عادی زندگی او را می‌بینیم و بیشتر از آنچه کرده، به درون آنچه بوده است فرو می‌رویم. فیلم با همین تمهید هم احساسات مخاطب را فتح می‌کند و روح جاری در خود را به درون مخاطب می‌دمد.

کضاوت در باب ضعف‌هایی چون عدم پرداخت کافی برخی شخصیت‌ها یا پایان‌بندی طولانی فیلم وقتی که پیکر مهدی در آب غوطه‌ور است به دلیل اینکه شده است دشوار است اما آنچه مسلم از رخداد، لحظه و حس که رخداد در آن واقع می‌شود برجسته می‌گردد. میزانشن، جایگاه دوربین و رنگ و صحنه‌پردازی و حتی ابزار صحنه در راستای همین خلق

در نزدیک شدن به فضا و آن شخصیت‌ها دید. «موقعیت مهدی» که به تکه‌هایی از زندگی شهید مهدی باکری از قهرمانان جنگ تحمیلی می‌پردازد، نه یک زندگینامه است و نه یک درام جنگی صرف. فیلمی درباره حال و هوا و فضای درونی یک انسان است که در زندگی به قهرمان تبدیل می‌شود، با انتخاب‌هایی ساده و پودنی منحصر به فرد. فیلم نه می‌خواهد از مهدی قهرمانی اسطوره‌ای در جنگ بسازد و نه می‌خواهد در پشت صحنه زندگی او کامل غرق شود. هر چند که به هر یک از این فضاها نزدیک می‌شود، اما تلاش دارد حس را نسبت به شخصیت و فضای زیستی او ایجاد کند که دربرگیرنده نوعی شاعرانگی در جنگ و عاشقیت در صلح و شهر است.

روایت همچون یک پازل شکل می‌گیرد.



علی‌رضا

فیلمبرداری توسط هومن بهمنش را نیز از آن خود کند. حمید فرخ‌نژاد سیمرخ بلورین بهترین بازیگر نقش اصلی مرد به خاطر بازی در فیلم استرداد و هاینه توسلی سیمرخ بلورین بهترین بازیگر نقش اصلی زن به خاطر بازی در فیلم دهلیز را کسب کردند. قاعده تصادف به نویسندهی بهنام بهزادی موفق شد تا سیمرخ بلورین بهترین فیلمنامه را از آن خود کند. در بخش بهترین موسیقی متن و با حضور چهره‌هایی چون: فریدون حسین پور، مانی حقیقی، حسین زندیاف، محمدرضا عرب، مسعود فرستی، مینو فرشتچی و ابراهیم میاض تشکیل می‌داند. در این دوره فیلم‌های برجسته‌ای به سینمای ایران معرفی شدند که از جمله آنها می‌شود: به این فیلم‌ها اشاره کرد: استرداد، در بند، دهلیز، گناهکاران، قاعده تصادف، حوض

نقاشی، هیس! دخترها فریاد نمی‌زنند و برلین ۷. سیمرخ بلورین بهترین فیلم با حضور فیلم‌های دیگری چون: در بند، برلین ۷، گناهکاران و دهلیز، به فیلم استرداد رسید. همچنین با حضور چهره‌هایی چون: علیرضا داوودنژاد، بهنام بهزادی، بهروز شعبانی و علی غفاری، سیمرخ بلورین بهترین کارگردانی به پرویز شهبازی به خاطر فیلم در بند رسید؛ این فیلم موفق شد سیمرخ بلورین بهترین

رسول صدراعاملی، مهدی فخیم‌زاده و داوود میرباقری و هیأت داوران بخش مسابقه فیلم‌های اول را سینماگرانی چون: فریدون حسن پور، مانی حقیقی، حسین زندیاف، محمدرضا عرب، مسعود فرستی، مینو فرشتچی و ابراهیم میاض تشکیل می‌داند. در این دوره فیلم‌های برجسته‌ای به سینمای ایران معرفی شدند که از جمله آنها می‌شود: به این فیلم‌ها اشاره کرد: استرداد، در بند، دهلیز، گناهکاران، قاعده تصادف، حوض

رسول صدراعاملی، مهدی فخیم‌زاده و داوود میرباقری و هیأت داوران بخش مسابقه فیلم‌های اول را سینماگرانی چون: فریدون حسن پور، مانی حقیقی، حسین زندیاف، محمدرضا عرب، مسعود فرستی، مینو فرشتچی و ابراهیم میاض تشکیل می‌داند. در این دوره فیلم‌های برجسته‌ای به سینمای ایران معرفی شدند که از جمله آنها می‌شود: به این فیلم‌ها اشاره کرد: استرداد، در بند، دهلیز، گناهکاران، قاعده تصادف، حوض

رسول صدراعاملی، مهدی فخیم‌زاده و داوود میرباقری و هیأت داوران بخش مسابقه فیلم‌های اول را سینماگرانی چون: فریدون حسن پور، مانی حقیقی، حسین زندیاف، محمدرضا عرب، مسعود فرستی، مینو فرشتچی و ابراهیم میاض تشکیل می‌داند. در این دوره فیلم‌های برجسته‌ای به سینمای ایران معرفی شدند که از جمله آنها می‌شود: به این فیلم‌ها اشاره کرد: استرداد، در بند، دهلیز، گناهکاران، قاعده تصادف، حوض

گناه‌شمار  
جشنواره  
سی و یکمین  
دوره  
بهمن ۱۳۹۱

ایران (سودای سیمرخ) را چهره‌هایی چون: بهروز افخمی، ضیاءالدین دری، مصطفی شایسته، جمال شورجه،